



Special criminal policy to prevent the victimization of students in school

Morteza. Taghizadeh Zanooghi¹, Seyyed Mehdi. Ahmadi Mousavi*², Baqir. Shamloo³ & Mohammad. Aminizadeh⁴

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

3. Associate Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Law, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

ARTICLE INFORMATION	ABSTRACT
Article type Review article Pages: 464-479 Corresponding Author's Info Email: dr.s.m.a.mosavi@vatanmail.ir	Background and Aim: This article aimed to analyze the current criminal policy in light of some reasons related to students' victimization. In every society, there are various people and groups whose lives are threatened by certain criminals. Students are one of these groups; Factors such as the general expectations of society, the sensitivity of the media on the victimization of students, the trust of parents in the school, and the constructive role of the school in the education of a person require that this type of victimization be seen in a particular way in the criminal policy. Method: This article is a type of review article, after extracting articles from reliable scientific databases on the Internet, the literature was investigated. Results: School crimes have similar characteristics (such as the type of offender, the victim, the motive of the offender, and the time and place of occurrence), which can be studied in the light of criminological theories. On the other hand, capacities can help the formation and success of a particular criminal policy. Such as the fundamental role of the Supreme Council of Education, the training of bullies in school, the existence of special monitoring units, the possibility of applying preventive measures, managing the conditions of the bully, and using the capacities of restorative justice and disciplinary responsibility. Finally, in order to make the best decisions, the special criminal policy creates an interaction between all the people effective in preventing victimization and implements the policies in the context of this interaction. Conclusion: So, in the first step, this necessity should be understood, and the normative thoughts in the field of education should be justified and convinced towards creating this policy. In the next step, the formation and implementation of criminal policy components are essential. after realizing the necessity of creating a particular criminal policy, it is necessary to implement it; in addition to using the opinions and guidance of experts in the field of education, we should also use the guidelines of criminology experts. The existence of a particular criminal policy can show the success rate of programs based on a period and findings.
Article history: Received: 2022/04/06 Revised: 2022/07/01 Accepted: 2022/07/14 Published online: 2022/10/02	
Keywords: Victimization, students, special criminal policy	



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article:

Taghizadeh Zanooghi, M., Ahmadi Mousavi, S. M., Shamloo, B., & Aminizadeh, M. (2022). Special criminal policy to prevent the victimization of students in school. *Jayps*, 3(1): 464-479.



بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۴)، صفحه‌های ۴۷۹-۴۶۴

سیاست جنایی ویژه برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه

مرتضی تقی زاده زانوقی^۱، سیدمهدی احمدی موسوی^{۲*}، باقر شاملو^۳ و محمد امینی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران
۲. استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران
۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر، تحلیل سیاست جنایی کنونی در پرتو پاره‌ای از دلایل مرتبط با بزه‌دیدگی دانش‌آموزان بود. در هر جامعه‌ای افراد و گروه‌های گوناگونی وجود دارند که حیات هر کدام را بزه‌هایی خاص تهدید می‌کند. دانش‌آموزان یکی از این گروه‌ها هستند و مولفه‌هایی مانند انتظارات عمومی جامعه، حساسیت رسانه‌ها بر بزه‌دیدگی دانش‌آموزان، اعتماد پدر-مادران به مدرسه و نقش سازنده‌ی مدرسه در پرورش فرد ایجاب می‌کند این نوع بزه‌دیدگی در سیاست جنایی به صورت ویژه دیده شود. **روش پژوهش:** مقاله حاضر از نوع مقاله مروری بوده که پس از استخراج مقالات از پایگاه‌های علمی معتبر در اینترنت به بررسی پیشینه پژوهش حاضر پرداخته شد. **یافته‌ها:** جرایم مدرسه‌ای دارای ویژگی‌های مشابهی (مانند نوع بزه، بزه دیده، انگیزه‌ی بزه کار، زمان و مکان وقوع) می‌باشند که در پرتو نظریات جرم‌شناسی نیز قابل مطالعه اند. از سویی ظرفیت‌هایی مانند نقش بنیادین شورای عالی آموزش و پرورش، آموزش‌پذیری بزده‌سازان در مدرسه، وجود واحدهای نظارتی خاص، امکان اعمال تدابیر پیشگیری وضعی، مدیریت شرایط بزه دیده ساز و استفاده از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی و مسئولیت انضباطی می‌توانند به شکل‌گیری و توفیق یک سیاست جنایی ویژه کمک کند. نهایتاً سیاست جنایی ویژه، برای اتخاذ بهترین تصمیمات، بین تمامی افراد موثر در پیشگیری از بزه‌دیدگی تعامل ایجاد می‌کند و در بستر همین تعامل به اجرای سیاست‌ها می‌پردازد. **نتیجه‌گیری:** پس در گام اول باید این ضرورت درک شود و افکار هنجارگذار در حوزه‌ی آموزش و پرورش نسبت به ایجاد این سیاست توجیه و متقاعد شوند. در گام بعدی شکل دهی و اجرای مولفه‌های سیاست جنایی دارای اهمیت است. بعد از این که به ضرورت ایجاد یک سیاست جنایی ویژه پی بردیم لازم است برای پیاده‌سازی آن علاوه بر استفاده از نظریات و ارشادهای کارشناسان حوزه‌ی تعلیم و تربیت از رهنمودهای صاحب نظران علم جرم‌شناسی نیز بهره ببریم. وجود سیاست جنایی ویژه می‌تواند بر پایه‌ی یک بازه زمانی و یافته‌ها، میزان موفقیت برنامه‌ها را نشان دهد.

نوع مقاله: مروری-پژوهشی

صفحات: ۴۶۴-۴۷۹

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

dr.s.m.a.mosavi@vatanmail.ir

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ اصلاح مقاله:

۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

واژگان کلیدی

بزه‌دیدگی، دانش‌آموزان، سیاست جنایی ویژه.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است. تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه‌استناد به این مقاله

تقی زاده زانوقی، مرتضی، احمدی موسوی، سیدمهدی، شاملو، باقر، و امینی، محمد. (۱۴۰۱). سیاست جنایی ویژه برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه. دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان، ۳(۱): ۴۷۹-۴۶۴.

مقدمه

به تناسب تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی در یک جامعه اشخاص حقیقی متفاوتی وجود دارند و زندگی هر یک را جرم‌هایی تهدید می‌کند و با توجه به آن که هر یک از این افراد یا گروه‌ها ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارند، هر کدام نیازمند سیاست جنایی ویژه مرتبط با ماهیت بزه‌دیدگان است. برای مثال، تدابیر اتخاذی برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی سال‌مندان می‌تواند کاملاً متفاوت با تدابیر اتخاذی برای زنان، کودکان و... باشد. پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان به طور عام در مقررات مختلف به صورت جسته و گریخته پیش‌بینی شده، اما پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه از سوی مدیران، دبیران و آموزگاران کم‌تر مورد توجه قانون‌گذار و سیاست‌گذار جنایی بوده است. از آنجا که موضوع سیاست جنایی فراهم‌ساختن امکان بهترین شیوه‌ی تدوین قواعد و مقررات موضوعه در سایه‌ی یافته‌های علوم جرم‌شناختی است (هاشم بیگی و ابرندآبادی، ۱۳۹۳)، ایجاد یک سیاست جنایی ویژه برای بزه‌دیدگی دانش‌آموزان می‌تواند بسیار کارا باشد. از آنجا که بزه دیده سازان در جرایم مدرسه‌ای همواره ثابت می‌باشند تکیه بر نقش و آموزش آنان در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان می‌تواند بسیار موثر افتد. در مورد جرایم مدرسه‌ای علاوه بر بزه دیده و بزه کار عوامل دیگری نیز وجود دارد که تغییرناپذیر هستند. زمان وقوع جرایم (که در ساعات آموزشی است)، مکان وقوع جرایم (که عمدتاً در فضای مدرسه است)، ضمانت اجراها و مراجعی که به تخلفات انضباطی رسیدگی می‌کنند از جمله این عوامل می‌باشند.

در پژوهش پیش‌رو، هدف تحلیل سیاست جنایی کنونی در پرتو پاره‌ای از دلایل مرتبط با بزه‌دیدگی دانش‌آموزان است. در این ره‌گذر، باید مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به مدیریت رفتار اطفال و نوجوانان دانش‌آموز و میزان اثربخشی آن‌ها را بر پایه‌ی یافته‌های حوزه‌ی جرم‌شناسی و سیاست جنایی تحلیل کرد و سنجید. همچنین، با تحلیل عمل‌کرد دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌توان دریافت که قوانین تا چه اندازه به حمایت

از دانش‌آموزان در برابر بزه‌دیدگی توجه داشته‌اند و اساساً چه تغییرهایی در این حوزه لازم است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری بوده که در آن به بررسی پیشینه پژوهش انجام شده و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر پرداخته شد. از این رو کلیدواژه‌های پژوهش در پایگاه‌های مقاله معتبر ایرانی و بین‌المللی جستجو شد (SID، CIVILICA، MAGIRAN، SCOPUS، NOORMAGS). همچنین از کتاب دانشگاهی معتبر در این زمینه جهت تئوری پژوهش استفاده گردید.

یافته‌ها

الف. ضرورت و اهمیت پیش‌بینی سیاست جنایی ویژه برای بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه

۱. انتظارات عمومی جامعه

۱-۱. اساساً علت وجود سیاست جنایی ویژه در این زمینه برخاسته از نگاه ویژه‌ی جامعه به اطفال و نوجوانان است. جامعه به لحاظ بی‌دفاع و حساس بودن دانش‌آموزان با نگاه ترحم‌آمیز و عمدتاً ناشی از احساسات به بزه‌دیدگی آنان توجه دارد. افراد جامعه توقع دارند که حاکمیت با یک سیاست جنایی ویژه و سنجیده موجب کاهش بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری دانش‌آموزان شود. هر گاه بزه‌دیده‌ی جرم‌هایی مانند ضرب و جرح یا آزار روانی مانند تهدید و تحقیر، یک فرد بزرگ‌سال باشد، جامعه نسبت به آن موضع‌گیری شدیدی ندارد؛ مگر در موردهایی که بزه‌دیده‌ی بزرگ‌سال دارای نوعی ناتوانی جسمی باشد. اما، در مورد طفل یا نوجوان دانش‌آموز، قشرهای مختلف جامعه هرگز چنین برخوردی را نمی‌پذیرند؛ حتی اگر مرتکب جرم پدرمادر یا آموزگار دانش‌آموز باشد. افراد جامعه این انتظار را دارند که حاکمیت یک سیاست جنایی مؤثر و کارا در بخش‌های مختلف قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی تدوین و طرح‌ریزی کند که به کاهش بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری دانش‌آموزان بینجامد. پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان آن قدر مهم است که در برخی

منسجم و مؤثر باعث می‌شود که نهاد آموزش و پرورش در موردهای بحرانی به جای سردرگمی و گرفتن تصمیم‌های احساسی و غیرمنطقی به گونه‌ای اقدام کند که بیش‌ترین فایده از اقدام‌های آن به دست آید.

۱-۳. خانواده‌ها مدرسه را به‌عنوان یک فضای امن و قابل اعتماد شناخته و با سپردن فرزندشان به مدرسه وظیفه‌ی مراقبتی و نظارتی خود را به مدرسه می‌سپارند و از آن‌جا که کارکنان واحد آموزشی را افرادی صلاحیت‌دار و امین می‌دانند، فرزند خود را با خیالی آسوده در آن‌جا به امانت می‌گذارند. حال اگر کارکنان مدرسه، به‌عمد یا از روی بی‌توجهی و غفلت، باعث آسیب‌دیدن دانش‌آموزان شوند یا نسبت به بزه‌دیدگی دانش‌آموزان بی‌تفاوت باشند، بی‌گمان این اعتماد کم‌رنگ می‌شود و جای خود را به نگرانی می‌دهد. بدون تردید، بروز این بی‌اعتمادی و نگرانی موجب خدشه‌دار شدن هم‌کاری قوی و تعاملی پیوسته بین مدرسه و پدرمادران یا سرپرستان دانش‌آموزان می‌شود و این امر موجب می‌شود که این دغدغه و نگرانی به خود دانش‌آموز هم منتقل شود و تأثیرهای منفی بر جسم و روان او بگذارد. این امر ایجاب می‌کند که سیاست جنایی ویژه‌ای تدوین شود تا از بزه‌دیدگی‌های جسمی و روانی دانش‌آموزان پیش‌گیری کند و اعتماد پدرمادران یا سرپرستان را به سیستم آموزشی برگرداند. البته تمامی ماجرا به این بی‌اعتمادی ختم نمی‌شود. خانواده‌ها بعد از این که نسبت به عملکرد مدرسه دل‌سرد شوند دیگر تمایلی ندارند تا مدرسه را در جهت حل مشکلات یاری رسانند. به مرور زمان مدرسه نه تنها فضایی رشددهنده نیست، بلکه تبدیل به فضایی منزوی می‌شود که در قبال انتظارات خانواده‌ها کاملاً منفعل است. در حالی که یکی از دلایل موفقیت مدارس این است که از تخصص خانواده‌ها بهره‌بردارند. در مدرسه‌ای که دانش‌آموز بزه دیده می‌شود و حتی در قبال مطالبه خانواده‌ها جبهه‌گیری می‌کند، باید این انتظار را داشت که درهای مدرسه برای همیشه به روی همه کسانی که می‌توانند قدمی در بهبود آن بردارند بسته می‌شود و مانع برخورداری دانش‌آموزان مدرسه از آموزش و

مقررات نگاهی افتراقی نسبت به آنها وجود دارد. برای مثال مطابق برخی مواد آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال، در صورتی که سن بزه دیده کم‌تر از ۱۸ سال باشد واکنش‌های شدیدتری برای مرتکب پیش‌بینی شده است. هم‌چنین در قانون مجازات اسلامی در برخی مقررات مربوط به حدود و تعزیرات در صورتی که بزه دیده کودک باشد کیفر برای فرد مرتکب تشدید شده است. تمامی این موارد بیان‌گر این است که جامعه نسبت به بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان، نسبت به سایر اقشار جامعه، حساسیت بیش‌تری دارد.

۱-۲. رسانه‌ها معمولاً برای جذب مخاطب بر موضوع‌های به‌اصطلاح داغ و جذاب تکیه می‌کنند. بیشتر توجه‌شان به بازنمایی بزه‌دیدگانی است که از گروه‌های دیگر آسیب‌پذیرتر هستند (فرجی‌ها، ۱۳۹۲). اخبار مربوط به بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان با وجود این که باعث رنجش می‌شود برای برخی مخاطبان رسانه‌ها جذاب است و آن را تا نتیجه‌ی نهایی پی‌گیری می‌کنند. در این میان، بیش‌ترین فشار بر نهاد مربوط، یعنی آموزش و پرورش، وارد می‌شود؛ نهادی که زیر فشار افکار عمومی و رسانه‌هاست و می‌خواهد بسیار سریع واکنش نشان دهد و به‌اصطلاح با گرفتن تصمیم‌های سریع و قاطع نسبت به کودک‌آزار از فشار رسانه‌ها و بازخواست آنان رها شود. به همین دلیل، گاه تصمیم‌هایی احساسی و شتاب‌زده می‌گیرند که البته باعث انتقاد طیفی دیگر می‌شود.

آموزش و پرورش مجبور است تا حدی انتظارات رسانه‌ها و افکار عمومی را برآورده کند تا بلکه در همان رسانه‌ها به مخاطبان این پیام فرستاده شود که ماجرای بزه‌دیدگی با جدیت دنبال شده است و مرتکبان به حداکثر کیفر ممکن محکوم شده‌اند. حال، اگر یک سیاست جنایی مطلوب در این زمینه وجود داشته باشد، امکان بزه‌دیدگی دانش‌آموزان به حداقل می‌رسد و حتی در صورت بروز بزه‌دیدگی، نهاد آموزش و پرورش بر اساس سیاست جنایی ویژه خود اقدام می‌کند و هرگز تن به انتظارات رسانه‌ها که گاهی جلوه‌های سیاسی نیز دارند نمی‌دهد. پس، وجود سیاست جنایی ویژه‌ی

پرورش صحیح و از هم‌کاری و هم‌فکری افرادی که از آن مراقبت می‌کنند، می‌گردد. (افشارمنش، ۱۳۹۷)

۲. نقش پررنگ مدرسه در زندگی اطفال و نوجوانان

۲-۱. اطفال و نوجوانان بنا به تعریف قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) به افراد کم‌تر از ۱۸ سال کامل گفته می‌شود؛ یعنی، این قانون هر فرد کم‌تر از سن بلوغ را کودک و فرد بالاتر از سن بلوغ تا زمان کامل شدن ۱۸ سال را به‌عنوان نوجوان تعریف می‌کند. بنابراین، کودکان از سن ۵ سالگی که در عمل سن شروع دوره‌ی پیش‌دبستانی ست دقیقاً تا قبل از سن ۱۸ سالگی در مدرسه حضور دارند و مشمول مفاد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اند. اهمیت موضوع جایی خود را نشان می‌دهد که بدانیم بخشی از بزه‌دیدگی‌های اطفال یا نوجوانان یا در مدرسه است یا به صورت غیرمستقیم از آن متأثر می‌شود. برای مثال، اگر مدرسه به غیبت یا فرارهای مکرر دانش‌آموز توجه نداشته باشد و دانش‌آموز - در سایه‌ی این غفلت و بی‌توجهی - به جای حضور در مدرسه از جای دیگر سر درآورد و اتفاقاً در آن موقعیت‌ها دچار بزه‌دیدگی شود، نهاد آموزش و پرورش زمینه‌ساز بروز این بزه‌دیدگی ست. بنابراین، مدرسه نقشی محوری در بزه‌دیدگی دانش‌آموزان دارد و این امر نیز توجیه‌کننده‌ی وجود سیاست جنایی ویژه در این زمینه است.

۲-۲. پژوهش‌های گوناگونی نشان داده اند که بزه‌دیدگی و بزه‌کاری اطفال و نوجوانان تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند؛ یعنی، یک دانش‌آموز بزه‌دیده ممکن است به فردی بزه‌کار تبدیل شود یا برعکس. در مورد اثر مستقیم بزه‌دیدگی بر بزه‌کارشدن افراد باید گفت یک طفل یا نوجوان در دوران بزرگسالی عمدتاً همان جرم‌هایی را مرتکب می‌شود که در دوران طفولیت یا نوجوانی بزه‌دیده‌ی آن‌ها بوده است. برای مثال، دانش‌آموزی که قربانی خشونت‌های مدیر یا آموزگاران مدرسه بوده محتمل است که در بزرگسالی مرتکب خشونت نسبت به دیگران شود. دانش‌آموز با دیدن صحنه‌ی تنبیه بدنی از آن‌الگو می‌پذیرد و صرف بیان

باید و نبایدها تأثیر چشم‌گیری بر تربیت ندارد. کودکان ابتدا بر اساس اعتقاد عمل نمی‌کنند، بلکه صرفاً از روی تقلید رفتار می‌کنند (کیومرثی، ۱۳۸۶). هرگاه دانش‌آموز به خاطر بزه‌دیده‌شدن در مدرسه به فرارهای مکرر از مدرسه یا ترک تحصیل روی آورد و اوقات خود را در فضاهای دیگر سپری کند، احتمال بزه‌کارشدن او بسیار بالا می‌رود. بر این اساس، یک سامانه‌ی حقوقی جنایی هنگامی موفق می‌شود که سیاست جنایی مؤثری در زمینه‌ی پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان داشته باشد. در این میان، نهاد آموزش و پرورش باید، با شناخت و درک حساسیت وظایف خود، نقش پررنگی در تدوین و اجرای چنین سیاست جنایی داشته باشد.

۳-۲. هرگاه یک سیاست جنایی ویژه به پیش‌گیری از بزه‌دیدگی یک قشر خاص از جامعه مانند اطفال و نوجوانان می‌پردازد، به‌نوعی به دیگر فرد درگیر در فرآیند بزه‌دیدگی، یعنی بزه‌کار، نیز توجه دارد. در واقع، مرتکبان جرم‌های ارتكابی نسبت به دانش‌آموزان در مدرسه را قشرهای تحصیل‌کرده تشکیل می‌دهند. در نتیجه، پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان ناگزیر به پیش‌گیری از بزه‌کاری آموزگاران، دبیران، مربیان و مدیران می‌انجامد و این امر لازمه‌ی یک سیاست جنایی موفق در زمینه‌ی پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان است. این امر به‌ویژه از این رو اهمیت دارد که در کشور ما حدود ۲ میلیون کارمند در بخش‌های دولتی وجود دارد که ۵۰ درصد آنان را دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت در مدرسه‌ها تشکیل می‌دهند. البته بیش از ۳۰۰۰۰۰ تن از مدیران، دبیران و آموزگاران در بخش غیردولتی فعالیت می‌کنند که این جمعیت قابل توجه نیز در سایه قوانین و مقررات آموزش و پرورش باید فعالیت کنند. بنابراین رفتارهای این دسته از افراد نیز مورد مطالعه سیاست جنایی ویژه جرایم مدرسه‌ای قرار می‌گیرد.

۴-۲. خانواده‌ها همواره سعی بر این امر دارند که کودک خود را، مطابق با آن چه که خود می‌پسندند، تربیت کنند. بدیهی است در این فرآیند تربیت، ممکن است طفل اجابت امر نکند و با لجاجت در صدد ایفای نقش دلخواه

خود باشد. خانواده ممکن است در جهت پوشاندن جامه عمل به هدف خود ضمانت اجرایی نداشته باشد یا ضمانت اجرایی که به کار گرفته شده اند فاقد تاثیر شده باشند. پس لازم است اقدامی اثربخش صورت بگیرد. این موضوع می‌تواند در مدرسه دنبال و از مدیران و مربیان مدرسه مطالبه شود. مدرسه اولین مکانی است که رفتار کودک به طور رسمی تحت کنترل قرار می‌گیرد. کودک در مدرسه برای اولین بار با مقررات انضباطی مواجه شده و ملزم می‌شود که در راستای مصالح جمعی رفتار خود را با مقررات انضباطی منطبق سازد. (شیری و رنماخواستی و بطیاری، ۱۳۹۷).

۳. متفاوت بودن وضعیت بزه‌دیده‌سازان جرایم مدرسه‌ای

۳-۱. در بزه‌دیدگی‌هایی که در مدرسه‌ها رخ می‌دهد، انگیزه‌ی مرتکب متفاوت با سایر مرتکبان است. در مدرسه، اگر احیاناً تنبیه بدنی یا گرفتن پولی خارج از مقررات انجام شود، مرتکب اصولاً انگیزه‌ای شرافت‌مندانه دارد. هدف او کسب منافع مادی یا امتیازهای دیگر نیست. غالباً آموزگار با تنبیه بدنی قصد دارد که دانش‌آموز را به تلاش در تحصیل یا اصلاح رفتار غلط خود ترغیب کند. انگیزه‌ی شرافت‌مندانه وصف کیفری رفتار را نمی‌زداید، ولی در جرم‌های سزاوار تعزیر می‌تواند موجبات تخفیف را برای مرتکب فراهم کند. این در حالی است که جرم‌هایی که دیگر افراد خارج از مدرسه نسبت به اطفال و نوجوانان مرتکب می‌شوند ممکن است به دلایلی هم‌چون کسب منفعت مادی صورت گیرد و برخورد متفاوت و شدیدتری را بطلبد.

۳-۲. جرم‌های ارتكابی در مدرسه نسبت به دانش‌آموزان به طور معمول صبغ‌های فرهنگی دارند. برای مثال، ممکن است آموزگاران توهین و تحقیر یا تنبیه بدنی دانش‌آموزان را امری رایج و حتی سودمند بدانند. در تاریخ آموزش و پرورش کم نبوده اند افرادی که حتی در موردهایی این شیوه‌ی تربیتی را رایج و متعارف می‌دانسته‌اند. تنبیهی که آموزگار انجام می‌دهد با هدف تأدیب و تربیت انجام می‌گیرد. ناگفته نماند فرهنگ ما متأثر از توصیه‌های دین اسلام است. در فقه

اسلامی برخی فقها با عنایت به پاره‌ای از احادیث و البته تحت شرایطی تنبیه متعلمین را جایز می‌دانند. برای مثال آیت ا... بهجت در پاسخ به جواز یا عدم جواز تنبیه بدنی دانش‌آموزان چنین فتوا می‌دهند که تنبیه با اذن ولی، به نحوی که موجب دیه نشود، با اقتصار به مقدار ضرورت، جایز است. هرچند تنبیه متعلم در حقوق جزای عمومی از عوامل رافع مسئولیت نیست اما این تاثیر فرهنگی را نباید نادیده گرفت. کیفر بدنی، چنان که در حقوق کیفری متداول است با هدف سزا دادن فرد انجام می‌شود. سزادهی یکی از فلسفه‌های مجازات است که در آن تاکید اصلی بر عمل مجرمانه است (شاملو و نصیرباغبان، ۱۳۹۰) و در تنبیه متعلم، تمرکز بر روی رفتار فرد خاطی و با هدف متنبه کردن او انجام می‌شود. از نظر مقایسه‌ای نیز، تنبیه بدنی در مدرسه هم‌چنان وسیله‌ی قانونی برای تأدیب کودکان در یک سوم کشورهای جهان است (گرشوف، ۲۰۱۸). در برخی کشورها نیز اگر تنبیه با اطلاع پدر-مادر دانش‌آموز صورت بگیرد با ممنوعیت قانونی مواجه نیست. البته، در سیاست جنایی قانون‌گذارانه‌ی کنونی، هر گونه تنبیه بدنی از سوی افرادی جز پدر-مادران و سرپرستان قانونی نهی شده است و عنوان مجرمانه دارد، اما این صبغ‌های فرهنگی هنوز اثری هر چند جزئی در رفتارهای دست‌اندرکاران آموزش و پرورش دارد.

۳-۳. عمده‌ی جرم‌های ارتكابی نسبت به دانش‌آموزان در مدرسه ناشی از یک تصمیم یا احساس آنی است و مرتکبان این جرم‌ها به طور عمده تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی پیشین برای ارتكاب جرم نداشته‌اند. به همین علت، معاونت یا مشارکت یا سازمان‌یافتگی جرم‌های ارتكابی در مدرسه کم‌تر مشاهده می‌شود یا اصلاً قابلیت طرح ندارد. کم‌تر مدیری در مدرسه یافت می‌شود که هم‌کاران را به تنبیه دانش‌آموزان ترغیب کند یا بین کارکنان مدرسه‌ای در ارتكاب یک جرم علیه دانش‌آموز نوعی وحدت قصد یا هماهنگی وجود داشته باشد. بیش‌تر بزه‌دیدگی‌های دانش‌آموزان در مدرسه از عصبانیت ناگهانی و عدم کنترل رفتار ناشی می‌شود که

در بسیاری از موردها مرتکب بی‌درنگ پشیمان شده و در صدد جبران مافات برمی‌آید. در واقع، مدیر یا آموزگار یا مربی به خاطر برخی فشارهای ناشی از کار، زندگی شخصی یا عصبیت‌های نامتعارف در یک آن مرتکب جرمی بر دانش‌آموزی می‌شود و به طور معمول بعدها از کرده‌ی خود پشیمان شده و مصمم می‌شود که در سایر موردهای مشابه به کنترل رفتار خود توجه داشته باشد.

ب. بایسته‌های سیاست‌گذاری جنایی ویژه در زمینه‌ی بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه

۱. شناسایی و تحلیل نوع بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه

یک سیاست جنایی ویژه پیش از هرچیز باید به این موضوع بیندیشد که قرار است چه جرم‌ها و در نتیجه چه بزه‌دیدگی‌هایی را در هنجارگذاری‌های رسمی خود مورد توجه قرار دهد. زیرا، هر جرم و هر بزه‌دیدگی سیاست جنایی ویژه‌ی خود را می‌طلبد. این امر نیازمند آن است که داده و شناخت کافی درباره‌ی نوع و میزان بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه داشته باشیم.

نکته‌ی بسیار مهم در این زمینه آن است که رسیدن به چنین شناختی نیازمند آن است که جرم‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی با روی‌کردی کاملاً علمی و تخصصی و به دور از هر گونه سیاست‌زدگی و دیدگاه‌های غیرعلمی به مطالعه‌ی بزه‌دیدگی و بزه‌کاری در مدرسه‌ها بپردازند و داده‌های لازم را در این زمینه به سیاست‌گذاران جنایی در این حوزه ارائه کنند. جرم‌شناسی با رویکردی تحلیل‌گر در صدد بررسی علل و عوامل بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و اتخاذ تدابیر مناسب کاهنده میزان بزه‌کاری و بزه‌دیدگی می‌باشد. (نیازپور، علوم جنایی، مفهوم و گونه‌ها، ۹۳) بنابراین، نهاد آموزش و پرورش باید راه‌کاری برای بهره‌گیری پیوسته و همیشگی از توان تخصصی جرم‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی در نظر گیرد. مناسب است آموزش و پرورش اقدام به تشکیل گروه‌های پژوهشی استانی و شهری (تشکیل‌شده از جرم‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی) کند تا بتوانند پیوسته چنین داده‌هایی را در

اختیار آموزش و پرورش قرار دهند. قطعاً نگاهی که یک جرم‌شناس به بزه‌دیدگی دانش‌آموزان دارد بسیار غنی‌تر از نگاه مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش است. بنابراین شایسته است که از ظرفیت‌های نظریات مختلف در جرم‌شناسی، که در گذر زمان تکامل یافته‌اند، استفاده شود. جرم‌شناس به خانواده فرد بزه‌دیده، محیط زندگی و هم‌سالان او و ابعاد حقوقی جرم یا تخلف نیز نیم‌نگاهی دارد زیرا آگاه است که در فرآیند بزه‌دیده شدن، به غیر از رفتار فرد بزه‌کار، باید عوامل دیگری را نیز جست. برای مثال برخی ویژگی‌های جسمی یا روانی کودکان موجب می‌شود که آنان را در معرض خشونت قرار دهد (میربیگی، ۱۳۹۸) در حالی که نگاه مدیر یا آموزگار در مورد تعیین واکنش مناسب ممکن است تا این حد جامع نباشد و تمامی جوانب بزه‌دیدگی را در بر نگیرد.

۱-۱. بزه‌دیدگی جسمی (جنایت)

موضوع جنایت انسان زنده، میت و جنین است. (آقای نی، ۱۳۸۹) بدیهی است در مدارس موضوع جنایت بر میت سالبه به انتفاء موضوع است ولی در مورد جنایت بر جنین نیز این نوع جنایت هرچند تاکنون در مدارس گزارش نشده است اما بروز آن بعید نیست.^۱ متأسفانه جنایت بر روی جسم افراد در مدارس بسیار فراگیر است. شایع‌ترین بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه به مسأله‌ی تنبیه بدنی برمی‌گردد. دست‌اندرکاران مدرسه در واکنش به تخلف‌ها یا انحراف‌های دانش‌آموزی در موردهایی به تنبیه بدنی متوسل می‌شوند. استفاده از شلاق یا کمر بند و زدن ضرب بر سر و صورت دانش‌آموز رایج‌ترین رفتارها در در این زمینه است. در برخی از مدرسه‌های روستایی یا عشایری، متأسفانه تنبیه دانش‌آموزان با رضایت یا حتی توصیه‌ی پدرمادر یا سرپرست دانش‌آموز انجام می‌شود و این تنبیه در مدرسه به‌عنوان یک رویه‌ی متعارف مورد تقلید سایر کارکنان مدرسه قرار می‌گیرد.

۱. در مورد جنایت بر جنین نیز موارد نادر می‌باشد. مثلاً در یک جامعه روستایی یک دانش‌آموز دختر ازدواج زودهنگام داشته باشند و در حین تحصیل باردار شود و جنین او قربانی یک جنایت شود.

مدرسه نسبت به دانش‌آموزان انجام می‌گیرد. این دو روان و اراده‌ی دانش‌آموزان را به مخاطره می‌اندازند.

۳-۱. بزه‌دیدگی مالی

مهم‌ترین مصداق این مورد گرفتن پول از پدرمادران یا سرپرستان یا حتی خود دانش‌آموزان خارج از ضوابط و مقررات است. این رفتار در حالت متعارف و عادی جرم نیست مگر این که مشمول رشوه‌دهی یا کلاهبرداری یا اخذی قرار گیرد. ولی، رفتار یادشده نوعی تخلف اداری است و مرتکب آن باید در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری پاسخ‌گوی رفتار خود باشد. گاهی پافشاری بر گرفتن پول و ناتوانی خانواده در پرداخت ممکن است به ترک تحصیل منجر شود. در این موردها، هرچند جرمی روی نداده است، این امر دانش‌آموز را در یک وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌دهد و در نتیجه لازم است که طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان از دانش‌آموز حمایت شود.

۴-۱. بزه‌دیدگی جنسی

آزارهای جنسی تماسی و غیرتماسی نیز از جمله جرم‌هایی اند که امکان ارتکاب آن‌ها در مدرسه نسبت به دانش‌آموزان وجود دارند. بر پایه ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ سوءاستفاده جنسی به دو بخش آزار جنسی تماسی و غیرتماسی تقسیم می‌شود (سایر مصادیق ذکرشده در مدارس کمتر شیوع دارند). آزار تماسی، از طریق لمس بدن دانش‌آموز انجام و هر نوع تماسی که با قصد ارضای نیاز جنسی باشدرا شامل می‌شود و آزار غیرتماسی از طریق رفتارهایی مانند سخن گفتن، مشاهده اندام دانش‌آموز، وادار کردن دانش‌آموز به برخی حرکات و... انجام می‌شود.

۲. تحلیل و تبیین عامل‌ها و زمینه‌های هم‌بسته با بزه‌دیدگی

طرح‌ریزی سیاست جنایی مناسب برای پیش‌گیری مؤثر از بزه‌دیدگی نسبت به دانش‌آموزان در مدرسه هنگامی ممکن است که عامل‌ها و زمینه‌هایی را که با بروز این پدیده هم‌بستگی داشته اند تبیین کنیم و داده‌های درست و دقیق در این زمینه داشته باشیم. نیاز است

تنبیه بدنی بیش‌تر در قالب ضرب‌وجرح و گاهی قتل (به طور عمده به طور غیرعمدی) نمود می‌یابد.

از آن‌جا که تنبیه دانش‌آموزان به طور عمده به خاطر خشم‌های آنی و ناگهانی دست‌اندرکاران مدرسه است، انجام آن به صورت تسبیب آن هم به نحو عمدی در مدرسه‌ها مصداق شایع ندارد؛ بدین معنا که، بعید به نظر می‌رسد آموزگار یا مدیری بخواهد عامدانه با فراهم کردن اسبابی موجبات آسیب‌رساندن به جسم دانش‌آموز را فراهم کند.

۲-۱. بزه‌دیدگی شخصیتی

همان‌گونه که جسم و جان افراد، شایسته حمایت است، شخصیت معنوی و موقعیت اجتماعی آنان نیز در خور حمایت قانونی است. (زراعت، ۱۳۸۵) افشای اسرار دانش‌آموزان، حبس غیرقانونی (بر اساس ماده ۵۸۳ ق.م.ا. چنانچه معلمی شاگرد خود را جهت تنبیه در کلاس حبس کند مشمول این ماده خواهد بود). (گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ۱۳۰۳)، توهین و تهدید از جمله جرم‌های ضد شخصیت اند که ممکن است در مدرسه نسبت به دانش‌آموزان انجام گیرد. دانش‌آموزان هنگام ثبت‌نام باید اطلاعاتی را درباره‌ی خود به مدرسه ارائه کنند. در طول سال تحصیلی نیز ممکن است برای دانش‌آموز اتفاقاتی بیفتد که مدیر یا مشاور مدرسه در جهت برطرف کردن مشکلات و هنگام ارائه‌ی مشاوره از آن آگاه شوند. دست‌اندرکاران مدرسه گاهی این اطلاعات را برای افرادی بازگو می‌کنند که صلاحیت آگاه‌شدن از آن‌ها را ندارند. گاهی هم ممکن است دست‌اندرکاران مدرسه نه به مناسبت انجام وظیفه بلکه به دلیل اعتماد دانش‌آموزان یا پدرمادران یا سرپرستان از مسائل و مشکلات خصوصی آنان آگاه شوند و سپس این اطلاعات را برای دیگران فاش کنند که در این صورت رفتاری خلاف شأن انجام داده اند.

هم‌چنین، ممکن است دست‌اندرکاران مدرسه دانش‌آموزی را برای تنبیه در کلاس یا مدرسه حبس کنند که در این حالت آزادی دانش‌آموز سلب می‌شود. توهین و تهدید نیز از جمله جرم‌هایی است که در

نوایی حاصل فشار خواسته‌های مشروع ولی برآورده نشده افراد است. (عفتی، ۱۳۸۱). در پرتو این نظریه می‌توان وقوع جرایم مالی را که در راستای آنها دانش آموز بزه دیده می‌شود، بررسی نمود. مدیر به لحاظ عدم تکافوی اعتبارات نمی‌تواند جایگاه واحد آموزشی خود را اعتلا بخشد، لذا مجبور است با تحمیل هزینه‌ها بر دوش دانش‌آموزان این کاستی را جبران کند.

۳. نظریات مرتبط با پیشگیری از طریق طراحی محیطی

هر جرم دارای زمان و مکان است. جرایمی که دانش‌آموزان قربانی آن می‌شوند نیز در یک زمان و مکان محدود واقع می‌شوند. از این رو نظریاتی در بستر دانش بزه دیده شناسی شکل گرفته‌اند که به بررسی ارتباط بین جرم و مکان می‌پردازند. در این نظریات مکان نقش مرکزی دارد و جایی است که مجرمان دارای انگیزه با اهداف مطلوب، در نبود متوقف‌کننده جرم در آن مکان قرار می‌گیرند (برتاو، ۱۳۹۱). یعنی در صورتی که در یک مکان مانعی برای وقوع بزه نباشد، مرتکب را به ارتکاب بزه مصمم می‌کند. در صورتی که در مدرسه نظارت‌های واقعی یا الکترونیکی وجود داشته باشد و تمامی نقاط مدرسه به صورت واضح در دید همگان باشد تا حد زیادی میزان بزه‌دیدگی‌ها را کاهش می‌دهد. امروزه ثابت شده است علی‌رغم وجود انتقادات، نمی‌توان از نقش موثر پیشگیری وضعی در پیشگیری از بزه‌دیدگی غافل بود.

پ. سازوکارهای سیاست جنایی ویژه در زمینه بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه

سیاست جنایی برای آن که در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی موفق باشد نیازمند داشتن ابزارها و سازوکارهای لازم برای این کار است.

۱. فعال‌سازی نقش شورای عالی آموزش و پرورش

در هنجارگذاری و تدوین مقررات لازم

وجود نهادی مانند شورای عالی آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع هنجارگذاری و تصویب مقررات می‌تواند، در صورت نیاز در کوتاه‌ترین فرصت ممکن و به دور از

پارهای از نظریات را که به این موضوع می‌پردازند مورد مطالعه قرار دهیم.

۱. بهنجار بودن جرم

این نظریه را امیل دورکیم پایه گذاشته است. طبق این نظریه در هر جامعه‌ای نرخ پابرجایی از جرایم وجود دارد و این موضوع نه تنها امری غیرطبیعی نیست بلکه کاملاً طبیعی و بهنجار است. به عقیده دورکیم جرم با این که نقض اخلاق جامعه است اما نباید در میان نمودهای مرضی جامعه طبقه بندی شود. توضیح آن که وقایع مرضی و وقایع بهنجار در مقابل هم قرار دارند. اگر امری در جامعه عادی و حالتی عمومی داشته باشد آن را بهنجار می‌نامیم و اگر غیر عادی باشد به نوعی که فاقد عمومیت باشد آن را جزء وقایع مرضی می‌دانیم. (جاویدی، ۱۳۹۵) از این نظریه می‌توان برای توجیه برخی بزه‌ها در مدارس استفاده کرد. یعنی این باور مریبان را مورد تحلیل قرار دهیم که برخی از بزه‌دیدگی‌ها در مدارس امری نهادین هستند. برای مثال تحقیر یا توهین، هرچند مذموم است لکن در مدارس امری رواست و بخشی از واکنش‌ها را شامل می‌شود. حتی برداشت بسیاری از پدر-مادرها این است که میزانی از تهدید یا توهین برای پیش برد اهداف آموزشی باید وجود داشته باشد.

۲. نظریه اهداف و وسایل دست‌یابی به آن

این نظریه که توسط رابرت مرتون تبیین شده گویای این است که در هر جامعه برخی اهداف به‌عنوان یک نقطه تعالی تعریف می‌شوند و همگان را وامی‌دارند تا به این نقطه تعالی برسند. مواردی مانند ثروت، پست، تحصیلات عالی و قدرت از جمله این اهداف می‌باشند. طبق نظریه مرتون برای دست‌یابی به اهداف باید وسایلی نیز فراهم شود. حال اگر این وسایل در دسترس همه نباشند ممکن است افراد جامعه به اقدامات دیگری متوسل شوند. بر مبنای این نظریه خواهش‌های مشروعی که نتوانند از طریق هم‌نوایی با جامعه فراهم شوند شخص را مجبور به انحراف می‌نمایند. پیروان و ارائه دهندگان این نظریه در پاسخ به این سوال که کجروی و انحراف از کجا ناشی می‌شود پاسخ می‌دهند که نا هم

دست‌اندرکاران مدرسه گاهی ناشی از خشم دانش‌آموزان است. لازم به ذکر است این آموزش‌ها خیلی پیچیده و تخصصی نیستند. مواردی بسیار ساده مانند تغییر در موقعیت و وضعیت بدن، سکوت، گذشت و عفو و... می‌توانند به کنترل خشم بینجامند (شریعتی و کرمی، ۱۳۸۹). بنابراین، لازم است که هر دو گروه آموزش‌های لازم را برای پیش‌گیری از وقوع خشم‌های ناگهانی یا کنترل رفتار خود هنگام خشم ببینند. در همین راستا، ماده‌ی ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) نیز وزارت آموزش و پرورش را مکلف کرده که مدیران و کارکنان آموزشی و اداری را در زمینه‌ی حقوق اطفال و نوجوانان آموزش دهد.

۳. استفاده از راه‌بردهای پیش‌گیری وضعی در

مدرسه

یافته‌های برخی از تحقیقات درباره‌ی تأثیر پیش‌گیری وضعی بر کاهش جرم نشان می‌دهد که برخی از شیوه‌های پیش‌گیری وضعی رابطه‌ی معناداری با جرم‌های مدرسه‌ای دارند. در بحث بزه‌دیدگی دانش‌آموزان، از این امر به‌ویژه می‌توان برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی جنسی آنان بهره‌ی بسیاری برد. اقدام‌هایی مانند طراحی ساختمان مدارس و جانمایی درست سرویس بهداشتی، حضور ناظم در حیاط مدرسه در زنگ تفریح، نصب دوربین در نقاط خلوت مدرسه، محصورکردن یا ایجاد مانع در فضاهای کور مدرسه، گماشتن فردی به نگرهبانی برای مدرسه، کنترل ورود و خروج دانش‌آموزان به صورت الکترونیکی، طراحی سامانه‌های گرفتن گزارش‌ها و شکایت‌ها، نظارت بر تشکیل کلاس‌های خارج از زمان و مکان رسمی و شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر می‌تواند از جمله‌ی این راه‌بردها باشد.

از آن‌جا که محیط مدرسه محصور بوده و حدود آن کاملاً مشخص است، استفاده از تدابیر پیش‌گیری وضعی تا اندازه‌ی بسیاری می‌تواند در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان، و حتی بزه‌کاری آنان، مؤثر واقع شود. هم‌چنین، صرف مدت زمان زیادی از اوقات اطفال و نوجوانان در محیط آموزشی و دست‌رسی آسان و

پیچ‌وخم‌های قانون‌گذاری، آن‌چه را که در حوزه‌ی حمایت از دانش‌آموزان مورد نیاز است، تصویب و اجرا کند. حوزه‌های آسیب‌دیده یا آسیب‌پذیر متعددی در سطح جامعه هستند که در آن حوزه‌ها خلأ قانونی داریم و گاهی تصویب و ابلاغ قوانین به‌مثابه‌ی نوش‌داروی بعد از مرگ سهراب است. اما، در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، شورای عالی آموزش و پرورش یا وزیر مربوط می‌تواند در چارچوب سیاست‌گذاری جنایی کلان در حوزه‌ی پیش‌گیری از بزه‌دیدگی آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مورد نیاز را به تصویب برساند. آیین‌نامه‌هایی که دارای جلوه‌های حمایتی از دانش‌آموزان اند می‌توانند خیلی زود شکاف‌های حاصل از عدم وجود الزام‌های قانونی را پر کنند.

۲. آموزش دست‌اندرکاران مدرسه و دانش‌آموزان

یکی دیگر از سازوکارهای در دسترس آموزش و پرورش این است که می‌تواند دانش‌آموزان را از طریق محتوای کتاب‌های درسی با حقوق خود آشنا کند. آشناسازی دانش‌آموزان با حق‌های خود و حمایت‌های قانونی موجود می‌تواند به کاهش بزه‌دیدگی آنان بینجامد. این امر باعث می‌شود که دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در سبک رفتاری خود در مدرسه نهایت دقت را داشته باشند و در سایه‌ی قوانین و مقررات وظایف خود را به نحو مطلوب انجام دهند. هم‌چنین، می‌توان با تدوین مقررات و آشناکردن دست‌اندرکاران مدرسه با راه‌کارهای حمایتی از میزان آثار سوء ناشی از بزه‌دیدگی کاست. برای مثال، مدیر مدرسه‌ای که آموزش‌های لازم را دیده باشد می‌تواند از رنج‌های دانش‌آموز بزه‌دیده بکاهد و او را سریع‌تر به چرخه‌ی آموزش برگرداند. زیرا، دقت و سرعت در اقدام‌های حمایتی پس از بزه‌دیدگی می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تسکین جسم و روان بزه‌دیده داشته باشد.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تنبیه دانش‌آموزان بیش‌تر ناشی از یک خشم آنی و رفتاری هیجانی است. کنترل خشم ساده‌تر از کنترل خشم است. زیرا، در خشم فرد فقط به دنبال تخلیه‌ی فشار درونی خود بوده و لزوماً قصد ایراد ضرب یا جرح را ندارد. خشم

ضرب اطمینان در مورد پیگیری‌ها را بالا می‌برد و بازدارندگی بیش‌تری برای بزه‌های احتمالی دارد.

۵. استفاده از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی

از جمله شاخصه‌های بزه‌دیدگی دانش‌آموزان این است که مرتکب (دست‌اندرکاران مدرسه) با بزه‌دیده (دانش‌آموز) در طول سال تحصیلی با یک‌دیگر ارتباطی طولانی دارند. بی‌گمان، کیفر فرد بزه‌کار می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی را در ادامه‌ی سال تحصیلی برای هر دو طرف داشته باشد. در واقع، کیفر دادن یا ندادن مرتکب می‌تواند موجب شکل‌گیری حس انتقام‌جویی در هریک از طرف‌های درگیر بشود و به تکرار رفتار مجرمانه بینجامد. در این موارد، استفاده از ظرفیت عدالت ترمیمی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. هر چند در آیین‌نامه‌ی میانجی‌گری و در قالب ماده‌ی ۲۷ به نقش مدرسه به‌عنوان نهاد میانجی‌گر اشاره شده، در عمل این ماده مورد توجه قرار نگرفته است.

عدالت ترمیمی فرآیندی است که به موجب آن طرف‌ها درباره‌ی چگونگی رسیدگی به پیامدهای جرمی معین تصمیم‌گیری می‌کنند (حقیقی، ۱۳۹۵). هنگام بروز بزه‌دیدگی دانش‌آموز، مدرسه می‌تواند با دعوت از پدرمادر یا سرپرست دانش‌آموز و احضار بزه‌دیده‌ساز نسبت به حل و فصل آن اقدام کند. امکان استفاده از نهاد عدالت ترمیمی در مدرسه بیش‌تر است و با توجه به وجود علقه‌ی عاطفی به‌ویژه بین آموزگار و دانش‌آموز مصالحه زودتر تحقق می‌یابد و اثرگذاری بیش‌تری نیز خواهد داشت.

سیاست جنایی می‌تواند مدرسه را به‌عنوان نهادی میانجی‌گر بشناسد و ضوابطی را برای رسیدگی به جرم‌های این حوزه به تصویب برساند. عدالت کیفری با توجه به این که روی‌کردی قهرآمیز و آمرانه دارد ممکن است در زمینه‌ی حمایت از بزه‌دیده یا مرتکب راه افراط یا تفریط در پیش‌گیری و، بر مبنای روی‌کرد حمایت حداکثری از دانش‌آموزان، برخورد سخت‌گیرانه‌ای با بزه‌دیده‌ساز داشته باشد و موجبات بی‌انگیزگی و سست‌شدن او را فراهم آورد. در حالی که، عدالت ترمیمی بین انتظارات افراد درگیر در پدیده‌ی مجرمانه

پیوسته‌ی کارگزاران این نهاد به دانش‌آموزان و پدرمادران و سرپرستان آنان باعث می‌شود که تشخیص کودکان در معرض خطر و مسأله‌دار و سوءاستفاده و بی‌مبالاتی نسبت به آنان در این گونه محیط‌ها، نسبت به سایر محیط‌های اجتماعی مرتبط، با سرعت بیش‌تری امکان‌پذیر باشد (احمدی موسوی، ۱۳۹۲). بنابراین، دانش‌آموزان نسبت به سایر اطفال و نوجوانان در صورتی که بزه‌دیده واقع شوند سریع‌تر می‌توانند شناسایی شوند. در مورد پیشگیری‌های غیروضعی، به علت گستره جغرافیایی مدارس و تنوع فرهنگی نمی‌توان برنامه‌های یکسان را برای تمامی دانش‌آموزان مصوب کرد اما در پیشگیری وضعی می‌توان به صورت یکنواخت و متمرکز برنامه‌های پیشگیرانه را برای تمامی مدارس، فارغ از محیط فرهنگی و جغرافیایی اجرا کرد.

۴. دست‌رس‌پذیری دست‌اندرکاران مدرسه

دست‌رسی دانش‌آموزان بزه‌دیده یا پدر-مادران یا سرپرستان آنان به مسؤولان مدرسه از دیگر موقعیت‌های ویژه‌ی مدرسه است که می‌تواند نقش مهمی در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی ایفا کند. دانش‌آموزان در جهت اعلام جرم (به مسؤولان مدرسه یا واحدهای نظارتی) به صورت حقیقی یا مجازی امکان‌اتی دارند که این شاخصه در مورد سایر اطفال و نوجوانان کم‌تر وجود دارد. برای مثال حضور مدیر در دفتر مدرسه به صورت مستمر این امکان را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان در هر زمانی که نیاز باشد جهت گزارش بزه‌دیدگی خود به وی مراجعه کنند. در این راستا فقط در ابتدای سال یک اعلان کلی کفایت می‌کند. البته دانش‌آموزان باید توجیه شوند که گزارش بزه‌دیدگی برای آنان هیچ گونه هزینه‌ای ندارد و از این باب در امنیت کامل قرار دارند. بزه‌دیده‌سازان هرگاه متنبه باشند که گزارش بزه آنها خیلی زود به اطلاع مراجع ذیصلاح می‌رسد، در ارتکاب بزه تجدیدنظر می‌کنند و همین مار می‌تواند به کاهش بزه‌ها منجر شود. در کنار این نوع آموزش لازم است دانش‌آموزان توجیه شوند که موارد بزه‌دیدگی خود یا دیگران را به پدر-مادر خود نیز اطلاع دهند. آگاه کردن پدر-مادرها

یکی از دلایل تنبیه یا توهین به دانش‌آموزان این است که برخی از دانش‌آموزان پای‌بند ضوابط و مقررات مدرسه نیستند. به عبارتی، دانش‌آموزان با این کار موجبات بزه‌دیدگی خود را تسهیل می‌کنند. بر اساس نظریه‌ی تسهیل بزه‌دیدگی، مؤلفه‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود قربانی در معرض حمله قرار گیرد (اریک، ۲۰۰۶).

برای تنبیه کودکان دو نوع تنبیه مثبت و منفی وجود دارد که هر دو قانونی است. در تنبیه مثبت برای دانش‌آموز فعلی به عنوان جریمه در نظر گرفته می‌شود ولی در تنبیه منفی محرومیت وجود دارد (تیموتی، ۲۰۲۰). در مقررات، تنبیه مثبت برای دانش‌آموزان وجود ندارد (مانند الزام به تکلیف نوشتن یا پرداخت جریمه نقدی) و بیشتر تنبیه منفی یا محروم کردن در نظر گرفته شده است.

آیین‌نامه‌ی اجرایی مدارس موردهایی را برای واکنش نسبت به تخلفات دانش‌آموزان مقرر کرده است که همگی تنبیه منفی هستند و به نظر می‌رسد که آیین‌نامه به همه‌ی جنبه‌های این مسأله توجه نداشته و لازم است که این آیین‌نامه بر پایه‌ی یافته‌های جرم‌شناسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی ضمن مدنظر قراردادن تنبیه مثبت، مورد بازنگری قرار گیرد تا بتواند به سازوکار مناسبی برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه تبدیل شود.

برای مثال، به‌عنوان آخرین راه‌کار، اگر دانش‌آموزی به علت تخلف از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر منتقل شود و سرانجام تشخیص داده شود که نظم آموزشی و تربیتی را برهم می‌زند و موجب انحراف و گمراهی دانش‌آموزان دیگر می‌شود، با تأیید شورای مدرسه و موافقت اداره‌ی آموزش و پرورش مربوط در نوبت اول از حضور در مدرس‌های منطقه یا ناحیه‌ی آموزشی مربوط و برای نوبت دوم تا مدتی که اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان تعیین می‌کند از حضور در همه‌ی مدرس‌ها محروم می‌شود و از پدرمادر یا سرپرست او خواسته می‌شود که تعلیم و تربیت فرزند خویش را بیرون از مدرسه بر عهده گیرد. تمامی این تنبیه‌ها منفی هستند.

توازن ایجاد می‌کند و با ایجاد تعامل و سپردن نقش فعالانه به طرف‌ها تصمیم‌هایی می‌گیرد که بیش‌ترین اثربخشی از آن ناشی می‌شود.

بی تردید، هرچند حمایت از بزه‌دیدگان از آنجا که زیربنای انسانی و اخلاقی دارد قابل ستایش است و نیز تامین خسارت بزه‌دیده و بالاتر از آن مصالحه و فصل خصومت به طریق غیرقضایی از جمله میانجی‌گری و جبران دوستانه ضرر و زیان امری پسندیده به شمار می‌آید (توجهی، ۱۳۷۸) اما در مواردی از جمله جرایم ضدعفت باید متوجه بود که مواجهه بزه‌دیده و بزه‌کار ممکن است تبعاتی منفی را داشته باشد. در این گونه بزه‌دیدگی‌ها، روی‌کرد مبتنی بر عدالت کیفری و داشتن قاطعیت در پاسخ‌دهی مؤثرتر و کاراتر خواهد بود.

۶. توسل به مسؤولیت انضباطی دست‌اندرکاران مدرسه

اساساً سازوکارهای برخورد نهاد تعلیم و تربیت در مقایسه با ابزارهایی که در سطح جامعه به کار گرفته می‌شوند متفاوت است. یکی از سازوکارهای مهمی که مدرسه برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در اختیار دارد اعمال مسؤولیت انضباطی بر مدیران، آموزگاران و دبیران بزه‌دیده‌ساز است. این مسؤولیت، نسبت به مسؤولیت کیفری و مدنی، می‌تواند پیامدهای بسیار سنگین‌تری برای آنان داشته باشد. آموزگاری که جرمی نسبت به دانش‌آموز انجام داده است باید به‌عنوان متخلف به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری معرفی شود. این هیأت‌ها نیز ضمانت‌اجراهایی در اختیار دارند که تا حد زیادی می‌توانند بازدارنده باشند. بنابراین، سیاست جنایی ویژه در زمینه‌ی بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه می‌تواند از این ظرفیت نیز استفاده کند. برای مثال بر اساس ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری رفتارهایی مانند ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت، افشای اسرار، تبعیض و اعمال غرض تخلف محسوب و سزاوار تنبیه می‌باشند.

۷. پیش‌بینی سازوکارهای پاسخ‌دهی مناسب به تخلفات دانش‌آموزان

(پیرمرادی، ۱۳۸۷). یعنی این تنبیه مثبتی است که بسیار موثر است. در کنار این‌ها، به مسأله‌ی دقت و سرعت (در عین رعایت همه‌ی ملاحظه‌های قانونی) در اعمال تنبیه هم باید توجه کرد. اثر اصلاحی-تربیتی تنبیه زمانی به بار می‌نشیند که تنبیه در کوتاه‌ترین و معقول‌ترین زمان اعمال شود. اگر تنبیه دقت کافی را داشته باشد ولی دیر انجام شود یا بالعکس، جز به هم‌زدن نظم مدرسه و آرامش دانش‌آموزان هیچ اثر دیگری ندارد. در واقع، بی‌اعتمادی آموزگار به اثربخشی سیستم تنبیهی مدرسه موجب تنبیه غیررسمی و غیرقانونی و در نتیجه بروز بزه‌دیدگی دانش‌آموزان می‌شود.

هم‌چنین، مدرسه‌ها در آغاز سال تحصیلی باید تمامی باید و نبایدها و واکنش‌های پیش‌بینی‌شده نسبت به تخلفات را به دانش‌آموزان و پدرمادران یا سرپرستان آنان گوشزد کنند تا احتمال وقوع تخلفات (و در پی آن بزه‌دیدگی دانش‌آموزان به علت تنبیه نامتعارف) کاهش یابد. این امر نه تنها کاهش تخلفات را در بردارد بلکه در راستای رعایت اصل قانونی بودن مجازات‌ها بسیار لازم است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل سیاست جنایی کنونی در پرتو پاره‌ای از دلایل مرتبط با بزه‌دیدگی دانش‌آموزان بود. در هر جامعه‌ای افراد و گروه‌های گوناگونی وجود دارند که حیات هر کدام را بزه‌هایی خاص تهدید می‌کند. دانش‌آموزان یکی از این گروه‌ها هستند و مولفه‌هایی مانند انتظارات عمومی جامعه، حساسیت رسانه‌ها بر بزه‌دیدگی دانش‌آموزان، اعتماد پدر-مادران به مدرسه و نقش سازنده مدرسه در پرورش فرد ایجاب می‌کند این نوع بزه‌دیدگی در سیاست جنایی به صورت ویژه دیده شود. جرایم مدرسه‌ای دارای ویژگی‌های مشابهی (مانند نوع بزه، بزه دیده، انگیزه بزه کار، زمان و مکان وقوع) می‌باشند که در پرتو نظریات جرم‌شناسی نیز قابل مطالعه اند. از سویی ظرفیت‌هایی مانند نقش بنیادین شورای عالی آموزش و پرورش، آموزش‌پذیری بزرگسالان در مدرسه، وجود واحدهای نظارتی خاص، امکان اعمال تدابیر پیشگیری وضعی، مدیریت شرایط بزه دیده ساز و استفاده از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی و مسئولیت انضباطی می‌توانند

اکنون پرسش این است که اگر پدرمادر یا سرپرست دانش‌آموز اخراج‌شده پی‌گیر وضعیت تحصیلی او نشوند، تکلیف چیست. به طور معمول، آن دسته از دانش‌آموزانی که به این مرحله می‌رسند پدرمادر یا سرپرست پی‌گیر ندارند و به‌واقع نبود عاطفه‌ی پدرمادری یا نبود احساس مسؤولیت دانش‌آموز را دچار چنین چالشی کرده است. ولی، آیین‌نامه‌ی یادشده به این نکته‌ها توجه ندارد. اخراج موقتی ممکن است اثر تربیتی داشته باشد، ولی اخراج دائمی دانش‌آموز از مدرسه بی‌گمان فاقد اثر تربیتی است. این در حالی است که در آموزه‌های اسلامی نیز تأکید بر این است که مربیان به خاطر برخی خطاها و لغزش‌ها نباید متربی را از خود طرد کنند (قوام، اصول و روش‌های تربیت از منظر قرآن کریم، ۲۴).

به نظر می‌رسد که یکی از دلایلی که دست‌اندرکاران مدرسه مجبور به اخراج یا تنبیه دانش‌آموز می‌شوند آن است که دانش و مهارت برای رویارویی هوش‌مندانه با چنین چالش‌هایی را ندارند. آیین‌نامه می‌تواند لزوم وجود تعداد کافی مشاور را در مدرسه‌ها مقرر کند.

اصلاح آیین‌نامه در این زمینه می‌تواند بر اساس گرفتن وحدت ملاک از ماده‌های ۶۱ و ۶۲ آن باشد. بر پایه‌ی این دو ماده، مدیران مدرسه‌ها موظف اند که هنگام مشاهده‌ی نشانه‌های بیماری در دانش‌آموز پدرمادر یا سرپرست وی را از این مسأله آگاه کنند. دانش‌آموزی که به سبب ابتلا به بیماری واگیردار غیبت کند، هنگام بازگشت به مدرسه برای اطمینان از بهبودی باید گواهی پزشکی مبنی بر سلامتی ارائه کند.

تمرکز این دو ماده بر بیماری‌های جسمی است، ولی با اصلاح آیین‌نامه می‌توان آن را به ناهنجاری‌ها رفتاری و روانی نیز سرایت داد؛ یعنی، مدیران بتوانند پدرمادر یا سرپرست را ملزم کنند که دانش‌آموز را نزد روان‌شناس یا روان‌پزشک ببرند و تا گواهی از متخصص مربوط به مدرسه ارائه نکنند، امکان برگشت دانش‌آموز به مدرسه وجود نداشته باشد. توضیح آن که مشکلات نظم و تربیت و انضباط ممکن است ریشه در خسران شخصیتی دانش‌آموز داشته باشد و علل اصلی را می‌توان در نقص کارکرد مغز، نقص رشد و تکامل یا تربیت جستجو کرد

دانشگاه فرهنگیان و دانش آموزان، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای کارکنان، تشریح فرامین قوانین کیفری، بهره برداری حداکثری از قابلیت‌ها و توجه به بایستگی‌های عدالت ترمیمی و پیشگیری وضعی، توجه به اصول و ابعاد حقوقی در تصمیم سازی‌ها و اقداماتی از این دست، زمانی بیش ترین کارایی را خواهند داشت که توسط متخصصان این حوزه انجام شود. یعنی بعد از این که به ضرورت ایجاد یک سیاست جنایی ویژه پی بردیم لازم است برای پیاده سازی آن علاوه بر استفاده از نظریات و ارشادهای کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت از رهنمودهای صاحب نظران علم جرم شناسی نیز بهره ببریم. یک جرم شناس به لحاظ داشتن دید وسیع نسبت به پدیده بزه‌دیدگی می‌تواند به کیفیتی دانش آموزان و کارکنان مدرسه را آموزش دهد که این آموزش‌ها بر رفتارهای خارج از مدرسه افراد نیز موثر باشد.

۳- وجود سیاست جنایی ویژه می‌تواند بر پایه یک بازه زمانی و یافته‌ها، میزان موفقیت برنامه‌ها را نشان دهد. امروزه یکی از مشکلات موجود در نهاد آموزش و پرورش این است که تحلیل دقیق از برنامه‌ها و میزان اثربخشی آنها صورت نمی‌گیرد و یا این تحلیل به علت عدم رصد برنامه‌ها خیلی دیر حاصل می‌شود. همین امر سبب می‌شود یک برنامه نامناسب در مدت زمانی نسبتاً طولانی انجام شود و به دلیل عدم پیگیری و سنجش عملکرد، هزینه‌های زیادی را نیز در بر داشته باشد. اما سیاست جنایی ویژه این نقیصه را نخواهد داشت و می‌تواند منطبق با نیازها و گستره جغرافیایی مدارس، عملکرد خود را ارزیابی کند و بعد از ارزیابی به بررسی نقاط ضعف و قوت خود بپردازد. البته همان گونه که اشاره شد در تمامی مراحل لازم است نظریات کارشناسان مرتبط اخذ شده و بر پایه این توصیه‌ها اقدام کرد.

لازم به ذکر است که این مقاله مانند هر مقاله دیگر دارای محدودیت‌هایی است. از آن جا که نتیجه‌گیری در این مقاله بر اساس مروری بر ادبیات پژوهش بود و از روش علمی آزمایشی استفاده نگردید، لذا در استفاده از نتایج و تعمیم آن‌ها باید جوانب احتیاط را رعایت نمود.

سیاسگزاری

به شکل گیری و توفیق یک سیاست جنایی ویژه کمک کند. نهایتاً سیاست جنایی ویژه، برای اتخاذ بهترین تصمیمات، بین تمامی افراد موثر در پیشگیری از بزه‌دیدگی تعامل ایجاد می‌کند و در بستر همین تعامل به اجرای سیاست‌ها می‌پردازد. سرانجام، از پژوهش صورت گرفته نتایج و پیشنهادات زیر حاصل شد:

۱- نهادی که داعیه رشد دانش آموزان را دارد ناگزیر است که سیاست جنایی ویژه‌ای به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی دانش آموزان بنا نهد. پس در گام اول باید این ضرورت درک شود و افکار هنجارگذار در حوزه آموزش و پرورش نسبت به ایجاد این سیاست توجیه و متقاعد شوند. به نظر می‌رسد عدم آشنایی با مولفه‌های یک سیاست جنایی ویژه، مغفول ماندن از ظرفیت‌های موجود و تمرکز بر پیشگیری کیفری (و استفاده از تدابیر واکنشی نسبت به بزه کار) باعث شده است که نهاد آموزش و پرورش بر ایجاد یک سیاست منسجم تمرکز نکند و در نتیجه این عدم شناخت، عملکرد قابل قبولی نداشته باشد. ابزارهایی که خاصاً در حوزه پیشگیری از بزه‌دیدگی دانش آموزان در مدارس وجود دارد، باعث می‌شود این دستگاه عریض و طویل بتواند در قالب برنامه‌های کوتاه و بلند مدت و با کم ترین هزینه بر این معضل فائق آید.

۲- در گام بعدی شکل دهی و اجرای مولفه‌های سیاست جنایی دارای اهمیت است. امروزه ثابت شده است که تمرکز بر هشدار و ترساندن بزه کار (در قبل یا بعد از وقوع بزه) نمی‌تواند به تنهایی موثر افتد و باید اولویت برنامه‌ها بر تدابیر پیشگیرانه و شناسایی و بسیج نمودن تمامی امکانات و ابزارها باشد. زمانی که این ابزارها به صورت یک مجموعه و عناصر همگن و در قالب برنامه‌های مدت دار به کار گرفته شوند آن وقت می‌توان امیدوار بود که میزان بزه‌دیدگی در مدارس تا حد قابل توجهی کاهش یابد. یعنی تنها حلقه گم شده برای حل این معما در برنامه ریزی و اجرای کارشناسانه تدابیر یافت می‌شود. ایجاد ارتباط بین ابزارها و شناسایی ویژگی‌های مرتبط با جرایم و افراد درگیر در پدیده مجرمانه امری کاملاً تخصصی است و لازم است هنجارگذاران حوزه آموزش و پرورش از ظرفیت‌های علم جرم شناسی و متخصصان آن نهایت استفاده را ببرند. تدوین مقررات، ایجاد واحد درسی برای دانشجویان

عفتی، محمد. (۱۳۸۱). بررسی انگیزه‌های موثر بر وندالیسم، مجله پژوهش فرهنگی. (۲)۷.

فرجیها، محمد و همت پور، بهاره. (۱۳۹۲). تحلیل نحوه بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در روزنامه‌ها، ۸(۱).

قوام، میرعظیم. (۱۳۹۲). اصول و روش‌های تربیت از منظر قرآن کریم، تهران: موسسه انتشاراتی جمال الحق.

کیومرثی، غلامعلی. (۱۳۸۶). مبانی و اصول تربیت دینی، تهران: انتشارات مدرسه.

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۱). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجمع علمی-فرهنگی مجد.

میریگی، ساره. (۱۳۹۸). آثار و علل بزه‌دیدگی کودکان در محیط‌های آموزشی، فصلنامه مطالعات حقوق. (۳۳).

نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۶). علوم جنایی، مفهوم و گونه‌ها، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۱).

Abrandabadi, A. H., & Hashem Beigi, H. (2014). Encyclopedia of Criminology, third edition, Tehran: Ganj Danesh.

Afsharmanesh, M. (2018). Obstacles and threats to family and school cooperation, Marafet magazine, 27(11).

Aghaeinia, H. (2010). Crimes against persons (spiritual personality), Tehran: Mizan publication.

Ahmadi Mousavi, S. M. (2013). The position of the education institution in the prevention of delinquency and victimization of children, Crime Prevention Studies Quarterly, 8(26).

Atari, A. A. (2008). Criminal policy of victim protection, Qom: Qom Higher Education Complex.

Bertau, J. (2012). A study on the relationship between place and crime, detective magazine, 2(19).

Efati, M. (2002). Investigating the motivations affecting vandalism, Journal of Cultural Research. 7(2).

Farjiha, M., & Hematpour, B. (2012). Analysis of how women's victimization is represented in newspapers, 8(1).

Gershoff, E. (2017). School Corporal Punishment in Global Perspective: Prevalence, Outcomes, and Efforts at Intervention, journal Psychology, Health & Medicine, 22.

Ghavam, M. A. (2013). The principles and methods of education from the perspective of the Holy Quran, Tehran: Jamal-ul-Haq Publishing Institute.

Goldouzian, I. (2012). Mahsha of the Islamic Penal Code, Tehran: Publications of Majad Scientific-Cultural Society.

نویسندگان این مقاله از تمامی افرادی که در مراحل نگارش آن کمک کردند کمال تشکر و قدردانی را به جای می‌آورند.

تعارض منافع

این مقاله هیچ گونه حامی مالی نداشته و نویسندگان آن نیز هیچ گونه تعارضی در منافع ندارند.

منابع

- آقایی نیا، حسین. (۱۳۸۹). جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران: نشر میزان.
- ابرنادآبادی، علی حسین، و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۳). دانشنامه جرم شناسی، چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
- احمدی موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۲). جایگاه نهاد آموزش در پیشگیری از بزه کاری و بزه‌دیدگی کودکان، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۸(۲۶).
- افشارمنش، محمود. (۱۳۹۷). موانع و تهدیدهای فراروی همکاری خانواده و مدرسه، مجله معرفت، ۲۷(۱۱).
- برتاو، عیسی. (۱۳۹۱). در آمدی بر ارتباط مکان و جرم، مجله کارآگاه، ۲(۱۹).
- پیرمرادی، محمد. (۱۳۸۷). مبانی و اصول تعلیم و تربیت. تهران: سمت.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۸۷). سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان، قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- جاویدی، مجتبی. (۱۳۹۵). ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم با رویکردی روش شناسانه، معرفت، ۸.
- حقیقی، لیلا. (۱۳۹۵). عدالت ترمیمی در دستگاه‌های اجرایی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۶(۲).
- زراعت، عباس. (۱۳۸۵). حقوق جزای اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص)، تهران: انتشارات فکر سازان.
- شاملو، باقر، و نصیرباغبان، حسین. (۱۳۹۰). اصول حاکم بر مجازات‌های بدنی، مجله تحقیقات حقوقی، (۵۶).
- شریعتی، صدرالدین، و کرمی، مرتضی. (۱۳۸۹). رویکردها و مهارت‌های کنترل خشم بر اساس آموزه‌های اسلامی، فصلنامه فرهنگ مشاوره، ۱(۳).
- شیری ورنامخواستی، عباس، و بطیاری، عاطفه. (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه‌دیدگی قلدری کودکان و نوجوانان از مسیر مداخلات مدرسه محور (ارتقای تربیت دینی دانش آموزان از نظر کارشناسان)، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۲۸(۲).

- Haghighi, L. (2016). Restorative justice in executive bodies, *New Research Quarterly in Human Sciences*, 6(2).
- Hickey, E. W. (2006). The Male serial murderer. In *Serial murderers and their victims* (4th ed., pp. 152–159). Belmont, CA: Wadsworth Group
- Javidi, M. (2016). The nature of crime from Durkheim's point of view with a methodological approach, *Marafet*, 8.
- Kiyomarsi, G. A. (2007). *Fundamentals and Principles of Religious Education*, Tehran: Madrasah Publications.
- Mirbeygi, S. (2019). Effects and causes of children's victimization in educational environments, *Law Studies Quarterly*. (33).
- Niazpour, A. (2007). Criminology, concepts and types, *Crime Prevention Studies Quarterly*, 2(1).
- Pirmoradi, M. (2008). *Basics and principles of education*. Tehran: SAMT.
- Shamlou, B., & Nasirbaghban, H. (2011). Principles Governing Corporal Punishment, *Journal of Legal Research*, (56).
- Shariati, S., & Karmi, M. (2010). Anger control approaches and skills based on Islamic teachings, *Counseling Culture Quarterly*, 1(3).
- Shiri Varnamkhasadi, A., & Batiyari, A. (2018). Prevention of bullying victimization of children and teenagers through school-based interventions (promoting religious education of students according to experts), *Criminal Law and Criminology Studies*, 28(2).
- Timothy J. Legg, P. (2020). What Is Positive Punishment? — Written by Ann Pietrangelo _ February 25, 2020- <https://www.healthline.com/health/positive-punishment>
- Zeraat, A. (2006). *Exclusive Criminal Law 1 (Crimes against individuals)*, Tehran: Fekrsazan Publications.